

دانلود جزوه حقوق مدنی 6

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

نمونه متن جزوه:

سوال: آیا این ضابطه یک ضابطه ی نوعی است یا شخصی ؟

ضابطه علی الاصول نوعی است و اراده ی طرفین عقد به آن ها بی تاثیر است چون آن چه مورد توجه واقع میشود کاربرد انتفاع معمول و متعارف اشیا است. ولی در موارد استثنایی ممکن است معیار شخصی ملاک قرار گیرد. توضیح آن که طرفین قرارداد میتوانند در رابطه ی میان خود از دیدگاه ویژه ای به این گونه بنگرند و انتفاعی را در نظر گیرند که سبب نابودی و از بین رفتن آن نگردد. در نتیجه در اثر ارائه دو طرف قرارداد میتوان مال مصرف شدنی را در زمره مصرف نشدنی و قابل ابقاء در آورد.

مثلاً: اگر به صرافی مقداری پول عاریه داده شود تا به معرض تماشا بگذارد در اینجا، پول مال مصرف شدنی است و استفاده از آن با حفظ عین منافاتی ندارد.

و یا: اگر فردی چند عدد شمع برای تزئین مثلاً سفره عقد عاریه کند یا اجاره کند اینجا هم شمع با این که مصرف شدنی است ولی اینجا چون به منظور استفاده از نورش گرفته نشده مال قابل ابقاء است.

پس اراده ی طرفین میتواند بر موضوع معامله و در نتیجه استفاده ی آن اثر بگذارد چون استفاده ی متعارف از آن نمی شود تا از بین برود پس اجاره و عاریه ی آن باطل نیست. پس می توانیم بگوییم که به طور استثنایی معیار شخصی در برخی قرارداد ها مورد توجه فقها نیز است.

فواید مترتب بر این تقسیم بندی :

برای روشن شدن فواید این تقسیم بندی مثالی می زنیم. وقتی که شخصی مالی را در اختیار دیگری قرار می دهد به او اجازه می دهد که از آن مال به رایگان استفاده کند. اگر این مال با نخستین انتفاع از بین نرود و بدین سان رد آن مال به مالک مقدر باشد آن عمل حقوقی که این منظور را برآورده می سازد عاریه نام دارد که در این مورد میتوان به مواد 635 و 637 ق.م. رجوع کرد. حال اگر مالی که در اختیار شخصی دیگر قرار گیرد با نخستین کاربرد و انتفاع نابود شود و در نتیجه رد عین موثر نباشد و باید مثل آن را به مالک باز پس دهد آن عمل حقوقی که این نیت شخص را تامین می کند قرض نام دارد. و سبب انتقال مالکیت مال به مقترض می شود چون به موجب ماده ی 648 ق.م. باید رفتار شود حال با توجه به دو مثال می توانیم بگوییم که مثال ها ی فوق این نکته را روشن می کند که ماهیت برخی از عقود ایجاب می کند که موضوع چنان مالی باشد که در نخستین انتفاع متعارف از بین نرود.

در نتیجه قراردادهای اجاره انتفاع عاریه در مورد مالهای مصرف نشدنی به کار میرود.

مثلاً در مورد نفقه زن: اگر مصرف شدنی باشد، به زوج تملیک میشود یعنی زن مالک آن شده و دیگر برنمیگردد. اگر مصرف ناشدنی باشد، مقصود اباحه انتفاع است و شوهر میتواند آنها را بگیرد و اموال دیگری به جایش بدهد، زیرا زن مالک آنها نیست و پس از انحلال نکاح باید آنها را پس بدهد.

همچنین در مورد هدایایی که نامزدها به هم میدهند: اموال مصرف شدنی قطعاً به نامزد تملیک شده و در صورت به هم خوردن نامزدی تنها عین باقی مانده را میتوان خواست ولی از بابت قیمت تلف شده این چنین نیست. اموال مصرف ناشدنی، مالکیتشان از بین رفته و باید باز گردانده شود

نکته: ما نباید این تقسیم بندی را با تقسیم بندی دیگری که عبارت اند از مصرفی و سرمایه ای اشتباه بگیریم. اموال سرمایه ای اموالی هستند که پایه اصلی و اساس ثروت های خصوصی را تشکیل می دهند. این اموال شامل مصادیقی می شوند که عبارت اند از: 1- اموال سرمایه ای غیر منقول مثل زمین ها ی کشاورزی، زمین های شهری، عمارات. 2- اموال سرمایه ای منقول مثل طلا، نقره، اوراق بهادار، جواهرات، کلکسیون های گران قیمت. 3- اموال تولیدی، واحدها ی تولیدی. در مقابل اموال سرمایه ای، اموال مصرفی قرار دارند که عبارت اند از اموالی که برای رفاه و استفاده ی روزمره استفاده می شوند مثل اساس منزل و وسایل شخصی. فایده ی این تقسیم بندی که جنبه ی اقتصادی دارد از سرنوشتی که برای آن ها در نظر گرفته می شود آشکار می شود مثلاً شخص

در نظر دارد که پس اندازي داشته باشد يا اين که اموال خود را پس از خود به ارث گذارد ولي غرض از اموال مصرفي ، استفاده از آن ها است که جنبه ي سرمايه اي ندارد . اموال مصرفي جزو اموال مصرف شدي و اموال مصرف نشدني مي گردد . مثل خوراكي ها ، اتومبيل ها . ولي اموال مصرف شدي فقط خوراكي ها و پول را در بر مي گيرد .